



### از لباس های محلی بیشتر بدانید

کرماتج ها به کرد شمال معروف اند که اغلب در آذربایجان غربی و شمال خراسان ساکن هستند. در مورد تاریخچه لباس کردی باید بگوییم همان اندازه که قوم کرد قدمت دارد، لباس هایش هم قدمت دارد. لباس های کردهای شمال خراسان اغلب از پارچه هایی با رنگ های قرمز، سفید، نارنجی و به طور کلی رنگ های گرم دوخته می شود. روی لباس ها ییلاق دوزی می شود و در مواردی هم گل دوزی هایی انجام می شود ولی به ندرت است زیرا گلدوزی اغلب برای لباس های بلوچی است. اجزا تا ترکیب این لباس ها به این شکل است:

❖ **شیلوار:** در لباس های مردانه کرد، شیلوار همان شلوار رایج است که چون پرچین دوخته می شود حدود ۲ متر پارچه می برد و در رنگ مشکی است. در لباس های زنانه نیز شیلوار همان دامن لباس های محلی است که با پارچه مخمل و ساتن دوخته می شود. در قدیم دامن ها با ۳۰ متر پارچه دوخته می شده ولی الان برای سبک تر و کم وزن تر شدن کار آن را با ۱۵ متر پارچه می دوزند.

❖ **کراس:** همان پیراهن لباس های محلی است که ۲ متر پارچه می برد و از جنس ساتن یا نخ است.

❖ **جلیقه:** جلیقه معمولاً یک متر پارچه می خواهد و از جنس مخمل دوخته می شود.

❖ **چارقد:** همان روسری یا چارقد لباس محلی است که از جنس پشم گوسفند است. این روسری های رنگی در ابعاد یک و نیم در یک و نیم متر است.

❖ **یاشار:** این پوششی مانند چادر است که طرح روی آن یک طاووس است.

❖ **لچک:** دستمال های ابریشمی کوچکی است که آن ها را نیز ییلاق دوزی یا گل دوزی می کنند و در دست می گیرند.

❖ **گار:** گوشواره های بلندی است که همراه با لباس های سنتی در مراسم خاص استفاده می شود.

❖ **سربند، پابند، کلاه و کمر بند:** از دیگر اجزای لباس محلی کردهای خراسان شمالی است که همه با ییلاق دوزی تزئین می شود. کمر بندها و پابندهای این لباس در عرض حدود ۱۰ سانتی متر و قد یا طول یک متر و ۲۰ سانتی متر است.

### از کلاس پنجم خیاطی می کردم

عفت رضانی از خانم هایی است که در کارگاه خیاطی خانم جوان کار می کند. او اهل روستای آق چشمه فاروج است و لباس های سنتی خراسان را خوب می شناسد. البته خیاطی را هم خوب بلد است چون هجده سالی می شود که خیاط است. «از کلاس پنجم خیاطی می کردم. ولی از بیست سالگی کار را جدی را شروع کردم. دو سال است که با خانم جوان در دوخت لباس های سنتی کمک می کنم. مدرک خودم نازک دوزی است ولی دوخت لباس سنتی را از روی لباس های مادرم یاد گرفتم و وقتی دخترم پنج ساله بود برایش یک دست دوختم. مادرم هم لباس سنتی می دوخت. خانوادگی اهل این هنر بودیم و به لباس های سنتی علاقه داریم و می پوشیم چون هم لباس قوم و فرهنگ خودمان است و هم پوشیدگی خوبی دارد. لباس سنتی ای که من دارم یک دست از لباس های مادرم است که یادگاری نگه داشته ام و استفاده می کنم. دخترم هم که لباسی که خودم برایش دوخته ام را دارد و احتمالاً او هم به این هنر علاقه مند شود. فعلاً که در کار نمد است.»

### با لباس های سنتی بزرگ شده ام

فاطمه امانی هم از دیگر خانم هایی است که در این کارگاه کار می کند. او اهل خراسان شمالی است. «یک سالی می شود که با خانم جوان کار می کنم ولی هنوز دوخت لباس های سنتی را یاد نگرفته ام و کارهای دم دستی را انجام می دهم. با این لباس ها بزرگ شده ام اما سر رشته ای در دوختشان ندارم ولی چون علاقه مندم کم کم یاد می گیرم و دوخت لباس سنتی که گواهی از تاریخ و فرهنگ است را انجام می دهم.»

### فروش مجازی با من است

زیبا قاسم زاده دختر خانم جوان است. او دانشجوی سال آخر کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی است و هشت سالی می شود که کمک دست مادرش است. «از پانزده سالگی در کنار مادرم بودم و در کارها کمک او می کردم الان هشت سالی می شود. گاهی کارهای خیاطی می کنم ولی بیشترین کمکی که می کنم در فروش اینترنتی است. در اپلیکیشن ها و برنامه هایی که امکان فروش هست عضو هستم و کانال زده ام و کارهای مامان را می فروشم. فروش مجازی با من است. استقبال مردم از لباس های سنتی خیلی خوب است و از شهرهای مختلفی مثل شبروان، بجنورد، تهران، بابل، شیراز و اصفهان مشتری داریم. بعضی ها تکی برای استفاده شخصی می خرند و بعضی ها هم چند دست برای اجراهای سنتی و گروهی، اجاره دادن و یا آتلیه می خرند.»

